



The Principle of Equality of Litigants in Civil Procedure with an Attitude in Jurisprudence, Iranian Law and of International Documents

Mostafa Pourrahim Ghoroghchi¹ , Eisa Amini^{1*} , Bakhtiar Abaslou¹

1. Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the basic principles and one of the basic and necessary issues for the fair handling of claims is the equality of litigants. The principle of equality of litigants is one of the basic principles in Islamic thought and has been emphasized in the Qur'an and by our religious leaders. Today, the mentioned cases in Islamic jurisprudence and law are considered as the basic principles of fair proceedings in democratic countries.

Method: This research is theoretical and the research method is descriptive-analytical. In this research, the author has done a comparative study of the mentioned principle in the jurisprudence and legal system of Iran and international documents based on the collection of information in a library and by referring to documents, books, articles and internet sites.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality and originality of the work have been observed.

Results: The review of jurisprudential texts shows that the equal treatment between litigants, with all its aspects, is even more complete than the present time in the Islamic procedure and was an integral part of the treatment of all claims. Iran's civil procedure law also considers the principle of equality and defense possibilities for litigants in some cases and some of its articles have been compiled on this basis and in line with ensuring compliance with the aforementioned principle. In fact, the equality of litigants in civil procedure is the principle and must be respected except in exceptional cases. The principle of equality of litigants has been recognized in international documents, including the Universal Declaration of Human Rights, the Covenant on Civil and Political Rights and the European Convention on Human Rights.

Conclusion: Based on the results of the research, it can be said that Islamic jurisprudence and Islamic law and the civil procedure law of Iran in the field of the principle of equality are compatible with global and regional international documents.

Keywords: Principles of Procedure; Rules of Procedure; Principle of Equal Parties; Civil Procedure; International Documents

Corresponding Author: Eisa Amini; **Email:** e.amini@iauctb.ac.ir

Received: December 04, 2023; **Accepted:** March 13, 2024; **Published Online:** June 20, 2024

Please cite this article as:

Pourrahim Ghoroghchi M, Amini E, Abaslou B. The Principle of Equality of Litigants in Civil Procedure with an Attitude in Jurisprudence, Iranian Law and of International Documents. *Medical Law Journal*. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e59.



انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه‌نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی با نگرش در فقه، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی

مصطفی پوررحیم قروقچی¹، عیسی امینی^{2*}، بختیار عباسلو³

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از اصول بنیادین و از موضوعات اساسی و ضروری برای رسیدگی عادلانه به دعاوی، برابری اصحاب دعوا است. اصل برابری اصحاب دعوا، در اندیشه‌های اسلامی، از جمله اصول زیربنایی به شمار رفته و در قرآن و از سوی پیشوایان دینی ما نیز مورد تأکید قرار گرفته است. امروزه موارد عنوان شده در فقه و حقوق اسلامی از اصول اولیه دادرسی عادلانه در کشورهای دارای دموکراسی، به شمار می‌رود.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش نگارنده به بررسی تطبیقی اصل مذکور در فقه و نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات و سایت‌های اینترنتی پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: بررسی متون فقهی نشان می‌دهد که رسیدگی برابر میان اصحاب دعوا، با تمام ابعاد آن، حتی کامل‌تر از زمان حاضر در آیین دادرسی اسلامی رعایت و جزء لاینفک رسیدگی به تمامی دعاوی بوده است. قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز، در پاره‌ای از موارد به اصل برابری و امکانات دفاعی برابر اصحاب دعوا نظر داشته و برخی از مواد آن، بر همین مبنا و در راستای تضمین رعایت اصل مذکور تدوین شده است. در واقع برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی، اصل بوده و جز در موارد استثنائی، باید رعایت شود. اصل برابری اصحاب دعوا، در اسناد بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز، به رسمیت شناخته شده است.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت که فقه و حقوق اسلامی و قانون آیین دادرسی مدنی ایران در زمینه اصل برابری با اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای انطباق دارد.

واژگان کلیدی: اصول دادرسی؛ آیین دادرسی؛ اصل برابری اصحاب دعوا؛ دادرسی مدنی؛ اسناد بین‌المللی

نویسنده مسئول: عیسی امینی؛ پست الکترونیک: e.amini@iauctb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Pourrahim Ghoroghchi M, Amini E, Abaslou B. The Principle of Equality of Litigants in Civil Procedure with an Attitude in Jurisprudence, Iranian Law and of International Documents. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e59.

مقدمه

برابری معانی گوناگونی دارد که از بارزترین آن‌ها تساوی و هم‌تایی بوده و در مباحث حقوقی، تساوی در برابر قانون و تساوی در قانون مطرح است، اما این موضوع، غیر از تساوی در حقوق می‌باشد، زیرا منظور از تساوی در حقوق، تساوی در مقابل حقوق طبیعی، وضعی و هر قانونی است که برای تنظیم زندگی طبیعی و حیات معقول آدمی الزامی می‌باشد (۱).

معنای لغوی عدالت نیز، دادگری و مساوات است، چون از ماده عدل بوده و عدل هم به معنای برابری می‌باشد (۲). همچنین عدالت دارای معانی اصطلاحی گوناگونی از جمله رعایت حقوق اشخاص و دادن حق به حق‌دار، قراردادان هر چیز در جای خود، توازن و ایجاد تعادل در جامعه، رعایت استحقاق‌ها در افاضه مزایای مادی و معنوی، تساوی و نفی هرگونه تبعیض می‌باشد (۳).

در خصوص اینکه عدالت است یا برابری؟ باید عنوان نمود که اگر معنای عدالت را مساوات و معنای مساوات را برابری در نظر بگیریم، اولاً شدنی نیست؛ ثانیاً ظلم و تجاوز می‌باشد و عدالت نیست؛ ثالثاً اجتماع خراب‌کن خواهد بود، چراکه در طبیعت، میان اشخاص تفاوت‌هایی وجود دارد و الغای همه این تفاوت‌ها، مقتضای عدالت نیست، بلکه رعایت استحقاق‌ها مقتضای عدالت می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌ها در خصوص عدالت، دیدگاه جان رالز است. جان رالز (John Rawls)، از برجسته‌ترین فلاسفه سیاسی قرن بیستم بوده و پرارجاع‌ترین فیلسوف سیاسی این قرن به شمار می‌رود؛ از طرف دیگر، به این دلیل که یک عمر دغدغه‌ی عدالت را داشته، معنوی‌ترین فیلسوف سیاسی تاریخ تفکر غرب است که توجه خود را بر روی بی‌عدالتی‌های مرتبط با نژاد، طبقه، دین و جنگ معطوف نموده است. در شکل‌گیری نظریه عدالت رالز، دیدگاه فکری و فلسفه اخلاق کانت (Kant)، نظریه قرارداد اجتماعی کانت و فلسفه حق هگل (Hegel) نقش داشته‌اند (۴). عدالت یکی از مفاهیم بنیادین اخلاقی است که منشأ بسیاری دیگر از اصول اخلاقی همچون زندگی مطلوب، شکوفاشدن استعدادها، کاهش فاصله طبقاتی

است که منجر به کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود. از این رو بسیاری از فیلسوفان و متفکران سیاسی و اجتماعی با برداشت‌های متفاوت از عدالت، تعاریف گوناگونی از آن ارائه کرده و هر یک به شیوه خاص خود، جامعه مطلوب را ترسیم نموده‌اند. در این میان جان رالز از فلاسفه و متفکران اخلاقی اهل ایالت متحده آمریکا، یکی از مهم‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین دیدگاه‌ها را در سده معاصر بیان داشته است. از دیدگاه وی، عدالت نه تنها تلاشی برای همسان‌سازی مزایای اجتماعی، بلکه روشی برای اصلاح زندگی بشر امروزی و راهی برای ترویج مکارم اخلاقی در جامعه است. وی جامعه امروز را نیازمند عدالت و به تبع آن اصول اخلاقی می‌داند که از دل آن بتوان راهی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها جست. جان رالز در مهم‌ترین اثر خود با عنوان «یک تئوری عدالت»، اخلاق اجتماعی را متأثر از عدالت دانسته و عدالت را راهی برای جاری‌شدن اصول اخلاقی در جامعه به شمار می‌آورد (۵).

در مورد رابطه برابری و عدالت شایان ذکر است که بر اساس اصل برابری، همه آدمیان دارای حقوق و تکالیف یکسان هستند و تا هنگامی که میان آدمیان مساوات کامل از هر نظر لحاظ نشود، تحقق عدالت اجتماعی محال است (۶) و در هر نظریه عدالت، دیدگاه برابری، ایده‌ای بنیادین می‌باشد.

پرسش اصلی درباره مفهوم برابری، این است که برابری در چه چیز می‌باشد؟ در پاسخ به این پرسش، اتفاق نظر وجود ندارد و آنچه در همه نظریه‌های عدالت در مورد آن اجماع وجود دارد، برابری شکلی می‌باشد، ولی باید توجه داشت که برابری حقوق و تکالیف افراد یک اجتماع در شرایط برابر ممکن نیست، زیرا ایجاد چنین شرایطی، میسر نخواهد بود (۷).

در عصر جدید و از زمان جان لاک به بعد، موضوع عدالت در کنار اصل برابری و ملازم آن مطرح شده است و ارسطو عدالت را در مقام اجرا از سوی دولت و برای شهروندان را عدالت توزیعی نامیده و تصریح نموده است که معیار عدالت توزیعی، تناسب و نه تساوی می‌باشد (۸).

در مفهوم عدالت توزیعی معنای عدالت، صراحتاً مغایر اصل برابری تعریف شده است. مارکس (Marx)، عدالت توزیعی را با این عبارت که «از هر کس به قدر توانش و به هر کس به

اخلاق و رفتار قضایی وجود دارد، معیارهایی در ارتباط با اخلاق و رفتار قضایی فراهم آورده‌اند (۱۰).

مجمع عمومی سازمان ملل متحد سه سال پس از تأسیس این سازمان اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد که هدف از آن برقراری، تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم بود. این اعلامیه در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (مصادف با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ ش.) به تصویب رسیده است که اینک این روز در سراسر جهان به عنوان «روز بین‌المللی حقوق بشر» گرامی داشته می‌شود. لازم به ذکر است که بسیاری از مباحث مربوط به اعلامیه جهانی حقوق بشر در قوانین اساسی کشورهای مختلف راه یافته است که کشور ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست و در فصل حقوق ملت در قانون اساسی، می‌توان مواردی از این حقوق بنیادین را مشاهده نمود (۱۱). در واقع این اعلامیه برای نخستین بار حقوقی را که تمام انسان‌ها مستحق آن بوده و حق بهره‌مندی از آن را دارا می‌باشند، به صورت جهان‌شمول بیان نموده است که در نتیجه آن بشر از حقوق اولیه خود در همه زمان‌ها و مکان‌ها برخوردار بوده و این حقوق غیر قابل سلب و اسقاط است، مگر به موجب قوانین، ضمن اینکه این قوانین جهان‌شمول ورای نژاد، ملیت، مذهب، رنگ و زبان بوده و تمامی انسان‌ها را دربر می‌گیرد (۱۲).

امروزه اصل برابری اصحاب دعوا، در آیین دادرسی مدنی جایگاه ویژه‌ای را در حقوق کشورهای مختلف از جمله ایران به خود اختصاص داده است و پذیرش اصل برابری اصحاب دعوا در کشورهای مختلف، متأثر از الگوی جهانی دادرسی عادلانه می‌باشد و این الگوی بر پایه اسناد بین‌المللی به ویژه میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در حال تکوین بوده که بر پایه ترافیعی‌نمودن هرچه بیشتر دادرسی و دادن امکانات برابر به اصحاب دعوا، استوار است و اصل برابری اصحاب دعوا را نخستین بار کمیسیون اروپایی حقوق بشر به کار گرفته است (۱۳). در این میان، اصل قانونمندی در امور عمومی و اعمال حاکمیت قانون امری

قدر نیازش» عنوان نموده و روشن است که با توجه به شرایط طبیعی و اجتماعی، توان و نیاز اشخاص، متفاوت خواهد بود. بنابراین عدالت اجتماعی مارکس همانند عدالت توزیعی ارسطو می‌باشد که آدمی در برگزیدن «برابری و عدالت» بر سر دوراهی قرار می‌گیرد. در هر حال، شائبه نسبت عدالت همچنان آن را از اصل برابری دور می‌سازد و بین آن‌ها انفصال ایجاد می‌نماید، ولی تحقق برابری در تمامی زمینه‌ها اولویت نخست حکومت قانون است و اصل برابری هنجاری بنیادین در قوانین اساسی نوین به شمار می‌رود. رالز در قانون ملل بیان می‌کند که با ایجاد برابری منصفانه فرصت‌ها، شرایط اجتماعی و فرصت برابر برای به دست آوردن مواهب اجتماعی برای شهروندان فارغ از گروه و افراد از طبقه و نژاد خاص فراهم می‌شود، لذا عدالت توزیعی به معنای توزیع امتیازات و حقوق برابر چه در میان افراد انسانی چه در میان گروه‌های اجتماعی امری ضروری و بدیهی به نظر می‌رسد. از دیدگاه رالز، در حالی که شهروندان آزاد و برابر، به واسطه آموزه‌های دینی، فلسفی و اخلاقی متضاد و بلکه قیاس‌ناپذیر عمیقاً دچار اشتقاق شده‌اند، چگونه می‌توان اجتماع عادلانه و با ثباتی را انتظار داشت؟ او عدالت به مثابه انصاف را به عنوان ایده‌آلی سیاسی مطرح نموده است (۵).

جان رالز از برخی جهات از نظریات کانت الهام گرفته و در تقریر نظریه عدالت خود سعی داشته آن را با اصطلاحات کانت و برخی جنبه‌های رویکرد او درآمیزد. رالز معتقد است که اصول عدالت را می‌توان بر تفسیری کانتی از استقلال فردی مبتنی ساخت و با اشاره به اصل اول عدالت خویش، یعنی آزادی برابر افراد و مقدم‌بودن آزادی‌هایی که این اصل را تعریف می‌کند، مدعی قابلیت استنتاج این اصل از تفسیر کانت از عدالت است (۹).

در نظام دادرسی اسلامی نیز آداب قضا و اخلاق و رفتار قضایی پیشینه‌ای همپای نهاد قضاوت دارد و می‌توان بیان نمود که آموزه‌های قضای اسلامی با گزاره‌های اخلاقی همانند انصاف، عدالت، بی‌طرفی و برابری ارتباط نزدیکی دارد و امروزه اسناد ملی و بین‌المللی نظیر آنچه در فقه اسلامی و در ارتباط با

است که در آن نوعی منفعت حقوقی برای تمام شهروندان وجود دارد.

کمیته حقوق بشر که بر طبق ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ایجاد شده است نیز تاکنون، در خصوص حق دادرسی عادلانه مندرج در ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دو تفسیر عمومی صادر نموده است که نخستین مورد، تفسیر عمومی شماره ۱۳ می‌باشد که در سال ۱۹۸۴ صادر شده است و کمیته حقوق بشر در این تفسیر، هدف از ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی را اجرای مناسب عدالت می‌داند. کمیته حقوق بشر با تعیین اجزای حق دادرسی عادلانه که منجر به نتیجه مطلوب، یعنی اجرای مناسب عدالت می‌گردد، در واقع به تعریف این حق پرداخته است. به عقیده کمیته حقوق بشر این هدف، از راه حمایت از دسته‌ای از حقوق فردی نظیر برابری نزد مراجع قضایی، حق رسیدگی منصفانه و علنی توسط یک دادگاه صالح، مستقل و بی‌طرف که مطابق قانون تشکیل شده باشد، حاصل خواهد شد.

دومین تفسیر عمومی صادر شده، تفسیر عمومی شماره ۳۲ است و هرچند کمیته حقوق بشر در سال ۲۰۰۷ تفسیر عمومی شماره ۳۲ را صادر و آن را جایگزین تفسیر عمومی شماره ۱۳ نمود است، اما اجزای معرف مذکور در تفسیر عمومی قبلی، در این تفسیر نیز، عیناً تکرار شده است و شایان ذکر است که کمیته حقوق بشر در ارائه تفسیرهای عمومی خود، با توجه به گزارش‌های کشورهای که در راستای پیشرفت محقق شدن حقوق مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی ارائه می‌نمایند و کژتابی‌هایی که در خصوص حدود و ثغور برخی از حقوق در آن گزارش‌ها وجود دارد، تفسیرهای خود را صادر می‌نماید. از این رو تفسیرهای عمومی، بیانگر حقوق مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی بوده است و حالت ایضاحی دارند و باید عنوان نمود که تفسیر عمومی شماره ۳۲ نسبت به تفسیر پیشین، بسیار جامع‌تر بوده و جزئیات بیشتری را در خود دارد و تفسیر جدید، جایگاه حق دادرسی عادلانه را مشخص و تعیین نموده است و آن را عنصر اساسی حمایت از حقوق بشر و ابزار شکلی تضمین حکومت قانون می‌داند (۱۴).

از عناصری که در دو تفسیر عمومی ارائه شده است، می‌توان استنتاج نمود که حق دادرسی عادلانه مجموعه‌ای از حقوق و تضمینات شکلی است که در فرایند دادرسی اعم از دادرسی مدنی و کیفری حاکم است و به فراخور آن، بایستی در مراحل مختلف رسیدگی اعمال شوند تا حق هر شخص به بهره‌مندی از اجرای مناسب عدالت تضمین گردد. همچنین عنوان شده است که حق دادرسی عادلانه عبارتند از: رسیدگی قضایی درباره موضوعات مدنی و کیفری میان اصحاب دعوا، در امور حکمی و موضوعی باید در دادگاهی قانونی، صالح مستقل، بی‌طرف، غیر ذی‌نفع و با رعایت اصول و آیین از پیش تعیین شده و توأم با تضمین حقوق قانونی اصحاب دعوا، در مراحل مختلف جریان رسیدگی می‌باشد (۱۵).

در واقع برابری اصحاب دعوا یکی از اصول بنیادین دادرسی و اجزای دادرسی عادلانه و از زمره مسائل بنیادین برای حاکمیت قانون و عدالت و حقوق بشر به شمار می‌رود و دادرسی عادلانه نیز، محاکمه شخصی در پرتو قانون و با در نظر گرفتن احترام به حقوق شهروندی و زمینه‌ای برای ترویج حاکمیت قانون است که این حقوق، توسط هنجارهای ملی و بین‌المللی و در قالب پاره‌ای از اصول نظام‌مند شده‌اند و نظام‌های حقوقی نیز سعی دارند که حقوق و آزادی‌های اساسی از جمله اصل برابری اصحاب دعوا در تمام مراحل دادرسی رعایت شود و می‌توان بیان داشت که دادرسی، زمانی عادلانه است که بتواند به حفظ برابری میان مصالح جامعه و اصحاب دعوا بپردازد و اصحاب دعوا در شرایطی کاملاً آزاد و برابر و در حالی که از تضمینات لازم برخوردار باشند، دعوایشان مورد رسیدگی واقع شود (۱۶).

در مطالعات پیشین، پیرامون موضوع اصل برابری اصحاب دعوا، به ذکر و تبیین اصول دادرسی نظیر اصل تقابل، اصل بی‌طرفی و... اکتفا شده است و به اصل برابری اصحاب دعوا صرفاً به صورت نظری و پراکنده و در دادرسی کیفری و اداری، اشاره شده است. از این رو و برای نخستین بار، اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی را به صورت مستقل و کاربردی و با نگرش در فقه اسلامی، حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، مورد بررسی قرار داده و از آنجایی که مقاله حاضر، از جمله تحقیقات نظری - تحلیلی بوده، ولی با توجه به چالش‌های

یافته‌ها

بررسی متون فقهی نشان می‌دهد که رسیدگی برابر میان اصحاب دعوا، با تمام ابعاد آن، حتی کامل‌تر از زمان حاضر در آیین دادرسی اسلامی رعایت و جزء لاینفک رسیدگی به تمامی دعاوی بوده است. قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز، در پاره‌ای از موارد به اصل برابری و امکانات دفاعی برابر اصحاب دعوا نظر داشته و برخی از مواد آن، بر همین مبنا و در راستای تضمین رعایت اصل مذکور تدوین شده است. در واقع برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی، اصل بوده و جز در موارد استثنایی، باید رعایت شود. اصل برابری اصحاب دعوا، در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز، به رسمیت شناخته شده است.

بحث

۱. **برابری اصحاب دعوا در فقه اسلامی:** در فقه و حقوق اسلامی، مفهوم برابری اصحاب دعوا قدمتی دیرین دارد و در اندیشه‌های اسلامی و در همه جوامع، از جمله اصول زیربنایی نظام اجتماعی اسلام بوده است و در حقوق اسلامی، برابری و مساوات مترادف با عدل و عدالت به کار رفته است، چنانچه خداوند در قرآن کریم، در سوره انعام آیه ۱۵۲ می‌فرماید: «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمایید، حتی اگر در مورد نزدیکان شما باشد» و برابری و اجرای عدالت و احقاق حق از اهداف بعثت پیامبران در قرآن می‌باشد (۱۷) و قضاوت در وضعیت نابرابر، نمی‌تواند منتهی به صدور حکم عادلانه شود، زیرا به حکم قاعده، «واجب بودن مقدمه واجب»، برابری وضعیت اصحاب دعوا برای عادلانه‌بودن رسیدگی در نظام دادرسی اسلام ضروری می‌باشد.

۱-۱. **برابری از دیدگاه قرآن کریم:** قرآن کریم، همواره آدمیان را به رعایت اصل برابری فرامی‌خواند و از جمله در سوره نساء آیه ۱ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا

عملی موجود از نتایج آن می‌توان استفاده کاربردی نیز نمود، لذا در این مقاله به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر هستیم:

۱- مفهوم و بنیان اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی چیست؟

۲- مصادیق و استثنائات اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی نظام حقوقی ایران چیست؟

۳- نگرش دین اسلام در رابطه با اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی چیست؟

۴- اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی نظام حقوقی ایران، تا چه حدی با اسناد بین‌المللی، انطباق دارد؟

از اهمیت و اهداف مقاله نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- شناساندن کاستی‌های قانونی در رابطه با اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی؛

۲- تأکید بر این موضوع که دولت‌ها بر اساس قوانین داخلی و با توجه به اسناد بین‌المللی، بایستی اصول دادرسی عادلانه، مقتضیات لازم برای دفاع از هر شخصی، اعم از اینکه خواهان یا خوانده باشد را محترم شمارند؛

۳- توسعه مفاهیم ویژه دعاوی حقوقی که از بارزترین مؤلفه‌های مدنیت در هر جامعه‌ای می‌باشد.

۴- ایجاد آگاهی هرچه بیشتر شهروندان با حقوق دفاعی خود در دادگاه‌ها؛

لذا اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی در فقه اسلامی و نظام حقوقی ایران را تبیین نموده و در ادامه، این اصل را در اسناد بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است. در این پژوهش نگارنده به بررسی تطبیقی اصل مذکور در فقه و نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات و سایت‌های اینترنتی پرداخته است.

جانبداری تو از خود، طمع نبندند و دشمنان از عدالتت نومید نشوند» (۲۱). به گواه تاریخ، حضرت علی (ع) نه تنها در سخن، بلکه در رفتار خویش نیز به اجرای عدالت در زمینه قضاوت و داوری عمل می نمود.

آنچه عنوان شد، به روشنی بیانگر این است که در فقه و حقوق اسلامی، رسیدگی برابر میان اصحاب دعوا با تمام ابعاد آن، حتی کامل تر از زمان حاضر رعایت و جزء لاینفک اصول آیین دادرسی آن زمان بوده است و امروزه بر همگان روشن است که تحقق عدالت در فرایندهای قضایی، مستلزم معیارهای عینی بوده و عدالت، اگرچه در ابتدا باید همچون روحی در جوهره مقررات ماهوی دمیده شده باشد، اما تحقق عینی آن در حیات اجتماعی در بستر قضا، بیش از آنکه مرهون حقوق ماهوی باشد، در گرو آیین و مقررات شکلی از جمله اصل برابر اصحاب دعواست و برخلاف تصور برخی که شاید برای آیین و مقررات شکلی در اسلام، شأن و اهمیت به سزایی قائل نیستند و در نتیجه آیین دادرسی را مورد بی اعتنایی یا کم توجهی قرار دهند، اما از دیدگاه دکترین و نظام قضایی اسلام، ابعاد گوناگون دادرسی مورد توجه قرار گرفته است و در نگاه کلی، آنچه مورد تأکید و توصیه دین اسلام است، دادرسی می باشد که به قضاوت عموم عادلانه تلقی شود و این موضوع بیانگر این اصل است که عدالت را نه فقط به اجراء آمدن آن، بلکه دیده شدن اجرای عدالت نیز می باشد و از این روست که آیین ها، سازوکارها و تضمین های دادرسی عادلانه از نگاه اسلام، مقوله ای ثابت نیست، بلکه بر حسب شرایط زمانی و مکانی قابل تغییر و تکامل بوده و آنچه مهم است، حصول غایتی می باشد که از آن انتظار می رود و بایسته است که با توجه به این مقوله و رجوع دوباره به متون و منابع اصیل فقهی و کلامی اسلام و به همراه بهره گیری از تجارب نظام های قضایی ملی و بین المللی، بیش از پیش به استقرار نظام قضایی مطلوب و متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه اسلامی در روزگار کنونی کمک نمود و به تضمین و تحقق دادرسی عادلانه دست یافت (۱۵).

كَثِيرًا وَيَسَاءُ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ افراد انسانی از هر قوم و قبیله ای که باشند، به عنوان بنی آدم، دارای تبار مشترکند و در سوره حجرات آیه ۱۳ نیز می فرماید: «يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ تفاوت های ظاهری و طبیعی میان انسان ها، از نظر جنس و نسبت های خانوادگی، قبیله ای و نژادی، واقعیتی طبیعی است و کارکرد آن ها فقط کمک به شناسایی افراد است و آنان را با یکدیگر برابر می داند و برتری آنان در گرو تقوایشان در نزد خداوند می باشد» که به روشنی گویای این نکته است که برابری میان اصحاب دعوا، باید رعایت و تضمین شود.

۲-۱. **برابری اصحاب دعوا از دیدگاه سنت:** پیامبر اکرم (ص) در خصوص رعایت اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی می فرماید: «هنگامی که یکی از شما به قضاوت مبتلا شد، در حال خشم قضاوت نکند و در نشستن، نگاه و اشاره کردن به طور یکسان با آن ها عمل نماید» (۱۸). همچنین پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند که «هرگاه دو نفر برای قضاوت پیش تو آمدند، تا هنگامی که اظهارات یکی از طرفین را شنیده ای، به نفع دیگری حکم نده، پس هرگاه چنین نمودی، قضاوت و صدور حکم برای تو روشن می گردد» (۱۹).

نقل است که در زمان حکومت عمر این خطاب خلیفه دوم، فردی از علی (ع) شکایتی نزد خلیفه دوم برد و او امام را حاضر نمود و به ایشان گفت که «یا ابالحسن دوشادوش مدعی بنشین؛ در این هنگام، آثار ناراحتی در چهره علی (ع) آشکار شد. عمر بیان نمود که یا علی، از اینکه دوشادوش مدعی بنشینی اکراه داری؟ حضرت علی (ع) فرمودند: «نه، ولی ناراحتی من از این است که میان من و مدعی، تساوی را رعایت نمودی، زیرا مرا با گفتن کنیه ام تکریم نمودی، ولی او را این گونه گرامی نداشتی» (۲۰). کلینی نیز از سلمة بن کهیل چنین نقل می نماید که «شنیدم علی (ع) به قاضی شریح می فرمودند که «میان مردمان در نگاه کردن و سخن گفتن و جایگاه نشستنت برابری را پاس دار تا نزدیکانت به ستم

قواعد آمره آیین دادرسی یا حقوق اصحاب دعوا نظیر اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی، موجب نقض رأی در دیوان عالی کشور خواهد بود و هرچند ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران در فصل مربوط به درخواست فرجام تدوین شده، اما توجه به آن، در سایر طرق اعتراض به آراء، نظیر درخواست تجدید نظر نیز الزامی و ضروری است و چنانچه رأیی بدون رعایت اصول دادرسی، از جمله اصل برابری اصحاب دعوا صادر شده باشد، بایستی در مراجع قضایی عالی، حسب مورد فسخ یا نقض شود و اختصاص این امر به آرای قابل فرجام، ترجیح بلامرغ می‌باشد (۲۲) و موارد زیر را که از زمره مؤلفه‌های دادرسی عادلانه نیز هستند را می‌توان به عنوان مصادیق اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی ایران برشمرد.

۲-۱. مصادیق اصل برابری اصحاب دعوا

۲-۱-۱. تقدیم دادخواست با رعایت شرایط آن: همانطور که می‌دانیم، نخستین مسئولیت خواهان رعایت شکل دادخواهی، یعنی تقدیم دادخواست است و این سند در صورتی می‌تواند مدعی خواهان را روشن سازد که فصیح و صریح و جامع تمام ارکان اختلاف باشد (۲۳). از این رو قانونگذار ایران نیز در مواد ۵۱ و ۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی^۲ شرایط و مندرجات آن را مشخص نموده است.

دادخواست قاضی را از اختلاف اصحاب دعوا، آگاه نموده و مسائل معینی را پیش روی او قرار می‌دهد. خواهان با دادخواست چارچوب دقیقی از ادعاها و خواسته‌های خود را در دادرسی پیگیری می‌نماید. دادخواست خوانده را با ادعاهای مدعی آشنا می‌سازد. در اینجاست که دادخواست با اساسی‌ترین اصول دادرسی مدنی، یعنی اصل برابری اصحاب دعوا، اصل رعایت حق دفاع و... پیوند می‌خورد. بنا بر این تحلیل، میان اصول بنیادین دادرسی و شکل‌های از پیش معین و مقرر شده، ارتباط دقیقی دیده می‌شود که نیل به نوعی دادرسی اطمینان‌آور را میسر و تضمین می‌نماید (۲۴).

۲-۱-۲. حق اطلاع: بهترین شکل حمایت برابری در یک دادرسی، حمایتی است که به اصطلاح از جریان آزاد اطلاعات

۲. برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی نظام حقوقی ایران: اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی ایران تحت این عبارت یا عبارت مشابه آن، در هیچ یک از نصوص قانونی پیش‌بینی نشده است، ولی در بررسی قانون آیین دادرسی مدنی ایران، مفهوم این اصل و ضرورت رعایت آن، همواره مورد توجه قانونگذاران بوده است. در حقیقت بسیاری از مقررات مربوط به تنظیم دادخواست، ابلاغ، تشکیل جلسه دادرسی، حق آگاهی از ادعاها، ادله و استدلال‌ات طرف دعوا، حق برخورداری از یک دادرسی توسط دادگاه مستقل و بی‌طرف، حق بهره‌مندی از زمان معقول و متعارف و امکانات کافی برای دفاع، حق داشتن وکیل، طرق اعتراض به آراء و... با لحاظ اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی و در راستای تضمین آن پیش‌بینی شده است. آنچه در آغاز دادرسی منصفانه به ذهن می‌رسد، این است که رعایت اصول دادرسی منصفانه و به عبارتی رسیدگی برابر تنها در دادرسی‌های مدنی و کیفری که در محاکم دادگستری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، قابل تصور است و می‌توان در این دادگاه‌ها رعایت و ضرورت قواعد مربوط به دادرسی عادلانه را تبیین نمود.

قانونگذار ایران نیز در صدر ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی، آیین دادرسی مدنی را مجموعه‌ای از «اصول و مقررات» معرفی نموده و مواد ۱۸ و ۱۹ قانون شورای حل اختلاف ایران و تبصره‌های آن، به تبیین مهم‌ترین مصادیق اصول، قواعد و تشریفات دادرسی اختصاص یافته است. در عین حال، یکی از جهات تجدید نظر به استناد بند «ه» ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، ادعای مخالف بودن رأی صادره با موازین شرعی یا مقررات قانونی بوده و تفاوتی نمی‌نماید که قوانین یا موازین مورد استناد، قوانین ماهوی و یا شکلی باشد (۲۲).

همچنین بر اساس بند ۳ ماده ۳۷۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران^۱، یکی از موارد نقض رأی در دیوان عالی کشور، رعایت نکردن اصول دادرسی و قواعد آمره آیین دادرسی و حقوق اصحاب دعوا در صورتی است که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رأی صادره را از اعتبار قانونی بیندازد، می‌باشد و این بند، گویای این امر است که رعایت نکردن اصول دادرسی یا

اطلاع و امکان تهیه و تدارک دفاع در برابر آن‌ها را داشته باشد.

۳-۱-۲. **کشف دلیل و تحقیق از سوی دادگاه:** در راستای اصل برابری اصحاب دعوا، بر اساس ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، دادگاه تکلیف دارد که علاوه بر رسیدگی به ادله استنادی خواهان و خوانده، هر تحقیق یا اقدامی که برای یافتن حقیقت لازم باشد را انجام دهد و محل و تاریخ این تحقیقات و اقدامات نیز، باید به اطلاع طرفین اختلاف رسانده شود (۲۲).

۴-۱-۲. **رسیدگی در یک مدت معقول و متعارف:** زمان کافی برای تهیه دفاعیه، به اوضاع و احوال هر پرونده بستگی دارد و به همین دلیل است که اصحاب دعوا در صورتی که از فرصت کافی و زمان مناسب برای تدارک پرونده و متعاقباً از فرصت کافی جهت دفاع از خود نداشته باشند یا در صورتی که تنها دادگاه از وجود برخی مدارک اطلاع داشته باشد، نمی‌توان رسیدگی را وفق معیارهای رسیدگی برابر و دادرسی عادلانه به شمار آورد و از توازن و رسیدگی برابر سخنی به میان آورد (۲۶).

۵-۱-۲. **تسریع در رسیدگی:** قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰-۱۳۹۶ ش.) در مواد ۱۱۳ و ۱۱۷ و در راستای اصل برابری اصحاب دعوا، به افزایش دقت و سرعت در ارائه خدمات قضایی، تحقق عدالت قضایی و احیای حقوق عامه، ارتقای کیفیت و کاهش اطاله دادرسی و ایجاد فرصت برابر برای دسترسی آحاد مردم به خدمات قضایی، کاهش اطاله دادرسی و... و نیز، در فصل بیست و چهارم قانون برنامه هفتم توسعه با عنوان «تحول حقوقی و قضایی» مقرراتی در زمینه‌های مذکور پیش‌بینی شده است.

۶-۱-۲. **اصل بی‌طرفی:** قانونگذار ایران به منظور رعایت اصل برابری و بازداشتن قضات از برهم‌زدن توازن و برابری میان اصحاب دعوا، به عنوان قاعده آمره و حتی بدون ایراد اصحاب دعوا، قاضی را در شرایطی از رسیدگی به موضوع منع نموده است (۲۲) و روند رسیدگی برابر با نگرش به ماده ۹۱ قانون

ناشی می‌شود و حق هر یک از اصحاب دعوا در خدشه و تعرض به ادله و استدلالات رقیب، ایجاب می‌نماید که هر یک از آن‌ها امکان اطلاع از ادله و استدلالات طرف مقابل را پیدا نماید و رسیدگی برابر تنها در صورتی تضمین می‌شود که شرط اصلی آن، یعنی تمام اوراق از جمله دادخواست، لوایح و مدارک مورد دعوا، میان اصحاب دعوا تبادل شود و این امر بر اساس ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران^۳ بر عهده دفتر دادگاه گذاشته شده است و نخستین تکلیفی که دفتر دادگاه در راستای اصل برابری اصحاب دعوا به عهده دارد، این است که در صورت تکمیل‌بودن دادخواست یا به محض تکمیل‌شدن آن، یک نسخه از دادخواست و ضمائم مربوطه را برای ابلاغ به خواننده ارسال دارد و بر اساس مواد ۸۴ و ۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی، خواننده با اطلاع از وقت جلسه دادرسی، می‌تواند در جلسه، حضور یابد یا اینکه لایحه دفاعیه ارائه نماید، ولی خواننده باید اصول و رونوشت اسناد استنادی خود را در جلسه دادرسی به همراه داشته باشد و چنانچه خواننده بخواهد ایراد یا ایراداتی را مطرح نماید، بایستی علی‌القاعده ضمن پاسخ به ماهیت دعوا و در جلسه اول دادرسی به این امر، مبادرت نماید و هرگونه اظهاری که در مقام دفاع لازم بداند، باید در جلسه دادرسی ابراز کند (۲۵)، در نتیجه خواهان نیز، از پاسخ خواننده دعوا مطلع شده و او نیز می‌تواند، آن‌ها را مورد خدشه و ایراد قرار دهد و از حق دفاع برخوردار شود.

قاضی نیز در راستای اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی، باید اصحاب دعوا را در موقعیت و شرایطی قرار دهد تا بتوانند اظهارات خود را آزادانه ابراز نمایند و چنانچه خواننده در جلسه اول دادرسی حضور نداشته باشد و خواهان هر یک از تغییرات مندرج در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی ایران را اعمال نماید در راستای اصل برابری اصحاب دعوا، دادگاه بایستی جلسه دادرسی را جهت تدارک دفاعیات خواننده، تجدید کند و اختطاریه دعوت به جلسه دادرسی نیز، باید به گونه‌ای تنظیم شود که خواننده با ملاحظه آن، در جریان تمامی تغییرات اعمال‌شده خواهان قرار گیرد (۱۶). بنابراین در برابر حقی که مقنن در اعمال تغییرات مورد بحث برای خواهان در نظر گرفته است، باید برای خواننده نیز حق

استناد، دو عنصر اساسی برای جلوگیری از خودسری قاضی می‌باشد (۲۸).

۲-۱-۸. حق دسترسی به دادگاه مستقل: یکی از وسایل عمده تضمین حقوق و آزادی‌ها، امکان مراجعه آسان به نهاد رسیدگی‌کننده می‌باشد. اصل ۳۴ قانون اساسی ایران، در مورد حق دادخواهی برای شهروندان بسیار گویا می‌باشد، به گونه‌ای که اصل مذکور، تردیدی را درباره پذیرش حق دادخواهی آسان و برابر در مراجعه به دادگاه در نظام حقوقی ایران باقی نمی‌گذارد و این امر در عمل با معیارهای اصل برابری مطابقت دارد (۲۲).

۲-۱-۹. حق داشتن وکیل و برخورداری از معاضدت قضایی: استفاده از وکیل دادگستری در دعاوی مدنی نیز، زمینه را برای دادرسی برابر میان اصحاب دعوا مهیا می‌سازد و حق داشتن وکیل در تمام مراحل دادرسی، تعدیل نابرابری‌های نا به جاست و یکی از تضمینات مهم در برابر، تجهیزات دفاعی، حق داشتن وکیل می‌باشد و امروزه یکی از مهم‌ترین اجزای فنی حق دفاع و تضمین‌های دادرسی عادلانه، حق بهره‌مندی از خدمات وکیل یا مشاور حقوقی است و حق مزبور در تمام فرایند دادرسی، مورد احترام می‌باشد (۲۹). بنابراین می‌توان بیان نمود که حق دفاع برابر اصحاب دعوا، با حق داشتن وکیل ارتباط تنگاتنگ دارد و به حق داشتن وکیل در اصل ۳۵ قانون اساسی و ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران تصریح شده است که با معیارهای اصل برابری مطابقت و هماهنگی دارد و همچنین در ایران، در هر یک از مجتمع‌های قضایی واحد مشاوره و معاضدت قضایی وجود دارد که وکلای دادگستری در آنجا، به راهنمایی مراجعان اقدام می‌نمایند و در مقدمه آیین‌نامه راجع به دفتر راهنمایی قانون وکلا مصوب ۱۳۱۷ مقرر شده است: «نظر به اینکه بین مراجعه‌کنندگان به عدلیه و یا اداره ثبت اسناد و املاک اشخاصی یافت می‌شوند که از قوانین و سایر مقررات بی‌اطلاع بوده و تمکن کافی هم برای مراجعه به وکیل عدلیه ندارند و به این ترتیب نمی‌توانند از وسایلی که قانون در دسترس آن‌ها گذاشته استفاده نموده، به حق خود برسند، وزارت عدلیه به شرح سواد پایین، دفتر

آیین دادرسی مدنی، شائبه هرگونه خروج قضات از اصل برابری و جانبداری آنان از یکی از اصحاب دعوا را تا حدودی منتفی نموده است. همچنین رعایت بی‌طرفی عینی و ظاهری در فرایند دادرسی و شائبه هرگونه شک معقول در زمینه بی‌طرفی کارشناسان رسمی دادگستری و اصل برابری اصحاب دعوا، ایجاب می‌نماید که کارشناسان رسمی در صورت وجود هر یک از جهات رد، از انجام کارشناسی امتناع نمایند و اصحاب دعوا نیز می‌توانند در صورت مشاهده هر یک از موارد رد، به صلاحیت کارشناسان ایراد نمایند و فراز پایانی ماده ۱۸ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری ایران، جهات رد کارشناس رسمی را همان جهات رد دادرسی، اعلام نموده است و کارشناسان رسمی در مواجهه با هر یک از جهات رد و حسب تکلیف مقرر در صدر ماده ۱۸ قانون مذکور، مکلفند در امور ارجاعی در صورت وجود هر یک از جهات رد، موضوع را به طور کتبی اعلام و از کارشناسی امتناع نمایند. بنابراین رعایت نکات شش‌گانه ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی مدنی ایران، تضمین‌کننده برابری اصحاب دعوا و بی‌طرفی عینی قضات و کارشناسان رسمی دادگستری می‌باشد.

۲-۱-۷. استدلال و مستندبودن رأی: استدلال و مستندات قانونی در صدور رأی، از آن جهت در راستای اصل برابری مهم است که اصحاب دعوا ملزم به اثبات ادعای و ارائه ادله لازم هستند و نیز دادگاه را ملزم می‌نماید که در چارچوب قانونی نسبت به صدور رأی اقدام نماید. از این رو امکان استناد به ادله معتبر به عنوان مبنای رأی، از ارکان مهم دادرسی عادلانه به شمار می‌رود (۲۷) و زمانی که اصحاب دعوا به مدارک مورد نظر دسترسی برابر داشته باشند و مبادرت به ارائه آن‌ها به دادگاه بنمایند و در صورتی که آرای دادگاه‌ها بر اساس مستندات صادر شود، می‌توان عنوان نمود که دادگاه تمامی تمهیدات قانونی و ساختاری لازم را جهت برگزاری یک دادرسی برابر رعایت نموده است و چنانچه دادگاه بدون توجه به حکم قانون و مستدل بودن رأی، اقدام به صدور رأی بنماید، در حقیقت حقوق برابر اصحاب دعوا را زائل نموده و استدلال و

هم، نمی‌تواند امکان‌پذیر باشد (۲۵). برای مثال، تشریفات و ترتیبات راجع به ابلاغ اوراق قضایی، به گونه‌ای تدوین شده است که اصحاب دعوا، علی‌الاصول از مفاد ورقه قضایی مطلع می‌شوند و خواننده دعوا یا وکیل یا نماینده حقوقی معرفی شده او، با حضور در جلسه دادرسی و یا تقدیم لایحه دفاعیه، ادعاها، ادله و استدلالات خواهان دعوا را مورد خدشه و ایراد قرار می‌دهد و آنچه را که لازم بداند، به دادگاه ارائه می‌نماید، اما همواره این‌گونه نیست و احتمال دارد که ابلاغ واقعی وقت دادرسی به خواننده دعوا ممکن نباشد و با ابلاغ قانونی وقت دادرسی نیز، خواننده دعوا به علت بی‌اطلاعی یا هر علت دیگری، در جلسه دادرسی مقرر حاضر نشود و لایحه دفاعیه نیز ارائه ننماید. در این صورت، بر اساس ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه چنانچه خواهان را در ماهیت دعوا محق تشخیص بدهد، مبادرت به صدور حکم غیابی می‌نماید و دیوان عالی کشور نیز در خصوص این موضوع، آورده است که «صدور حکم غیابی بدون ابلاغ احضاریه، قانونی نخواهد بود و موجب نقض حکم است (۳۱) و قانونگذار نیز، به محکوم‌علیه غایب حق داده است که به حکم غیابی اعتراض نماید، ولی باید توجه داشت که در موارد استثنایی نیز، فراهم‌نمودن زمینه رعایت بعدی اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی الزامی خواهد بود.

۳. برابری اصحاب دعوا در اسناد بین‌المللی: هر یک از اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری، دارای نقش و جایگاه ویژه‌ای در ترویج، توسعه و ارتقای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، از جمله اصل برابری در همه زمینه‌ها دارند. از این رو این اسناد نیز مقرراتی را در زمینه برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی، به تصویب رسانده‌اند و برای بیان برابری اصحاب دعوا به عنوان یکی از تضمینات حق دادرسی عادلانه و از زمره حقوق شناخته‌شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشری و تفسیر و چگونگی اعمال آن، لازم است گستره و چارچوب موضوعی اصل برابری اصحاب دعوا، مشخص شود، لذا مواردی نظیر حق برخورداری از تسهیلات لازم برای دادرسی عادلانه، حق دادخواهی، حق آگاهی از ادعاها، ادله و

راهنمایی برای هدایت آن‌ها تشکیل و انجام این امر را به عهده کانون وکلا قرار داده تا وظیفه مهمی را که وکلای عدلیه در کمک به احقاق حق دارند، نسبت به تمام طبقات اعم از اینکه قادر به دادن حق‌الوکاله باشند یا نه، به طور مساوی انجام دهند...» تحقق اهداف این آیین‌نامه و همکاری با قوه قضاییه در جهت رفع اطاله دادرسی و تحقق برابری اصحاب دعوا بر عهده شعبه راهنمایی اداره معاضدت کانون وکلا می‌باشد و کانون وکلای دادگستری به صورت مستقل نیز بر اساس بند «د» ماده ۶ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ایران مصوب ۱۳۳۳، وظیفه معاضدت قضایی را بر عهده دارد.

۱-۱-۱۰. معافیت از هزینه دادرسی: به منظور تضمین حق دادخواهی و رعایت اصل برابری اصحاب دعوا، نظام‌های دادرسی کاهش هزینه‌های دادرسی و اعسار و معافیت از هزینه دادرسی را به عنوان راهی برای ایجاد برابری اصحاب دعوا و عادلانه‌نمودن دادرسی پیش‌بینی نموده‌اند، است. همچنین اشخاصی که تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی هستند را از پرداخت هزینه دادرسی معاف دانسته است (ماده ۵۱۳ و تبصره الحاقی به ماده ۵۰۵ قانون آیین دادرسی مدنی ایران) و به صرف قرارگرفتن خواهان تحت پوشش نهادهای حمایتی مذکور، اعمال می‌شود و این معافیت نیازی به رسیدگی دادگاه برای احراز اعسار آنان ندارد (۳۰).

۲-۲. استثنائات اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی: اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی همواره و اصولاً، باید بلافاصله رعایت شود. در عین حال، در موارد استثنایی نظیر صدور قرار تأمین خواسته، قانون یا لزوم انجام اموری بدون اطلاع یکی از طرفین اختلاف و در نتیجه، رعایت‌نمودن بلافاصله و فوری اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی را ضروری یا مجاز می‌نماید. در مواردی هم، مقنن رعایت بلافاصله و فوری این اصل را مخالف فلسفه تأسیس حقوقی خاصی همانند دستور موقت دانسته و یا اینکه رعایت بلافاصله و فوری اصل مذکور، امکان دارد که با فلسفه وجودی اصل مهم دیگری، تعارض داشته باشد و رعایت بلافاصله و فوری اصل برابری اصحاب دعوا در مواردی

بدون هیچ تبعیضی و بالسویه در حمایت قانون باشند؛ پ - ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، مساوات در دسترسی به دادگاه مستقل و بی طرف و همچنین رسیدگی منصفانه به دعاوی را حق هر کس می داند^{۳۲}).

۳-۱-۲. برابری اصحاب دعوا در میثاق حقوق مدنی و

سیاسی: «الف - بند ۱ ماده ۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولت های طرف این میثاق را متعهد نموده است که حقوق شناخته شده در میثاق را درباره کلیه افراد، بدون هیچ گونه تمایزی محترم شمرده و تضمین کنند؛ ب - بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، همه را در مقابل دادگاه ها و دیوان های دادگستری مساوی دانسته است و حق دادخواهی منصفانه در یک دادگاه صالح مستقل و بی طرف و رسیدگی به دعوا بر طبق قانون را حق هر شخص اعلام نموده است و بند ۲ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز، رسیدگی به دعاوی اشخاص با تساوی کامل و برخورداری از تضمیناتی نظیر اطلاع از علل اتهام، قضاوت بدون تأخیر، حضور در محاکمه و حق دفاع شخصی یا توسط وکیل و... را مقرر نموده است؛ پ - همچنین بر اساس ماده ۲۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، همه اشخاص در مقابل قانون مساوی اند و بدون هیچ تبعیضی، در حمایت بالسویه از قانون هستند» (۳۲).

می توان گفت که مؤلفه های حق دادرسی عادلانه، از جمله برابری اصحاب دعوا جزء قواعد شکلی بوده و حق دادرسی عادلانه به طور موسع تفسیر شده است و دادگاه اروپایی حقوق بشر به طور صریح عنوان نموده است که تفسیر مضیق از ماده ۶ کنوانسیون (محتوی حق دادرسی عادلانه)، به واسطه جایگاه رفیعی که این مقرر دارد، با هدف و موضوع سازگار نیست. حق دادرسی عادلانه در واقع تضمینی برای حقوق دیگر نظیر برابری اصحاب دعوا است، لذا با اینکه امکان عدول از آن در شرایط اضطراری وجود دارد، ولی در صورتی که موضوع رسیدگی قضایی، یکی از حقوق غیر قابل عدول باشد، امکان عدول از حق دادرسی عادلانه وجود نخواهد داشت (۳۳). در راستای تعیین قلمرو حق دادرسی عادلانه، می توان به اختصار بیان نمود، زمانی که رسیدگی قضایی در جریان است، باید به

استدلالات طرف دعوا، حق برخورداری از یک دادرسی در محدوده زمانی مناسب توسط دادگاه مستقل و بی طرف، حق بهره مندی از زمان و امکانات معقول و متعارف برای آماده سازی دفاعیه، حق دفاع توسط خود یا وکیل و... مندرج در اسناد بین المللی جهانی و منطقه ای حقوق بشری را می توان به عنوان مصادیق اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی برشمرد.

از لحاظ فرامنطقه ای و اسناد بین المللی در این رابطه به عنوان نمونه می توان به تفسیر اخیر کشورهای عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر از ماده ۱ آن در خصوص تضمینات مهم دادرسی عادلانه که در بخش اول این کنوانسیون به آن ها تصریح شده، اشاره نمود^۴، بدین گونه که در ابتدای امر کشورهای عضو به دلیل اشاره ماده مذکور به دعاوی مدنی و کیفری^۵ و عدم تصریح به دادرسی های اداری، بیشتر قایل به رعایت دادرسی منصفانه در دعاوی مذکور بودند.

۳-۱-۳. برابری اصحاب دعوا در اسناد بین المللی جهانی:

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ در مقدمه خود، ارتباط بسیار ظریفی بین دو مفهوم برابری و منزلت انسانی، برقرار نموده است و از فحوای آن، برمی آید که این مفاهیم، به همراه آزادی، عدالت و صلح اساس و مبنای دیگر مفاهیم هستند که در کنار مواد دیگر، به اصل برابری اشاره نموده است و میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ نیز مقرراتی را در زمینه حق دادرسی عادلانه و اصل برابری اصحاب دعوا به تصویب رسانده است که عبارتند از:

۳-۱-۱. برابری اصحاب دعوا در اعلامیه جهانی حقوق

بشر: «الف - ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بیان می نماید که تمام افراد بشر، از لحاظ حقوق با هم برابرند و بند ۱ ماده ۲ این اعلامیه اشعار می دارد که هر کس می تواند بدون هیچ گونه تمایزی از تمام حقوق و آزادی هایی که در این اعلامیه ذکر شده است، بهره مند گردد و بر اساس بند اعلامیه مذکور، هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضایی یا بین المللی باشد؛ ب - ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه را در برابر قانون مساوی می داند و همه حق دارند

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی، یکی از اصول بنیادین دادرسی و مؤلفه‌های دادرسی عادلانه و از زمره مسائل بنیادین برای حاکمیت قانون و عدالت و حقوق بشر به شمار می‌رود و در مورد مفهوم و جایگاه اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی، توجه به رابطه برابری با سایر اصول بنیادین دادرسی ضروری می‌باشد و اصل برابری اصحاب دعوا به عنوان مبنا و اساس اصول بنیادین دادرسی معرفی می‌گردد. در فقه و حقوق اسلامی نیز، رعایت اصل برابری اصحاب دعوا، با تمام ابعاد آن، حتی کامل‌تر از زمان حاضر مراعات و جزء لاینفک اصول آیین دادرسی آن زمان بوده است.

هرچند اصل برابری اصحاب دعوا در قانون آیین دادرسی مدنی ایران به طور صریح پیش‌بینی نشده است، ولی از مجموع برخی قوانین و مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی، می‌توان قائل به این امر شد که قانونگذار در پاره‌ای از موارد، به اصل برابری و امکانات دفاعی برابر اصحاب دعوا در فرایند دادرسی مدنی، نظر داشته و برخی مواد آن، بر مبنای اصل برابری و در جهت تضمین رعایت اصل مذکور، تنظیم شده است.

اصل برابری اصحاب دعوا در اسناد بین‌المللی جهانی حقوق بشری، از جمله در مقدمه و مواد ۲، ۷ و ۱۰ اعلامیه حقوق بشر و در بند ۱ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای حقوق بشر نظیر: ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر کشورهای اسلامی و ماده ۷ منشور کانادایی حقوق بشر، به رسمیت شناخته شده و مقرراتی را در زمینه اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی را تصویب نموده‌اند که همگی این اسناد، حکایت از اهمیت موضوع اصل برابری دارد و با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، می‌توان عنوان نمود که فقه و حقوق اسلامی و قانون آیین دادرسی مدنی ایران در زمینه اصل برابری با اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای انطباق دارد.

صورت معمول، به شکل علنی برگزار و رأی صادره اعلام شود و نتیجه رسیدگی بایستی در قالب حکمی مستند، مستدل و در یک مدت زمان متعارف و معقول ارائه شود و در مواردی که تأخیر در رسیدگی به صورت غیر موجهی بروز نماید، باید جبران خسارت صورت گیرد. حق دادرسی عادلانه تا اجرای کامل حکم، همچنان ادامه دارد (۱۴).

۳-۲. برابری اصحاب دعوا در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای:

اسناد بین‌المللی منطقه‌ای حقوق بشر را در قالب اسناد نظام اروپایی حقوق بشر، اسناد نظام آمریکایی حقوق بشر، اسناد نظام آفریقایی حقوق بشر، اسناد حقوق بشر کشورهای اسلامی، اسناد نظام کانادایی حقوق بشر و... دسته‌بندی می‌نمایند که به اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی مدنی نیز، در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای حقوق بشر نظیر: ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر کشورهای اسلامی و ماده ۷ منشور کانادایی حقوق بشر، به رسمیت شناخته شده و مقرراتی را در زمینه اصل برابری اصحاب دعوا در آیین دادرسی را تصویب نموده‌اند که همگی این اسناد، حکایت از اهمیت موضوع اصل برابری دارد.

در پایان باید خاطرنشان شد که اگرچه اصول و استانداردهای دادرسی در اغلب مواد این اسناد، با تعابیری به کار برده شده‌اند که شبیه اختصاص این اصول و استانداردها را به دادرسی کیفری را در ذهن متبادر می‌سازد، ولی اصول و استانداردهای دادرسی مطرح‌شده در مواد مختلف اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای، هرچند در خصوص رعایت این اصول و استانداردها در امور کیفری و در ارتباط با حقوق متهمان تدوین شده است، اما این موضوع به معنای خروج اصول و استانداردهای مذکور، در دادرسی مدنی و در ارتباط با حقوق اصحاب دعوا نمی‌باشد، زیرا اسناد بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای، صرفاً بیانگر حداقل‌ها بوده و رعایت مدلول آن‌ها در دادرسی مدنی و در حق خواهان و خوانده نیز، امتیازی ویژه برای عادلانه‌بودن دادرسی به شمار می‌رود.

پی‌نوشت

۱- ماده ۳۷۱ ق.آ.د.م: در موارد زیر حکم یا قرار نقض می‌گردد: ۱- دادگاه صادرکننده رأی، صلاحیت ذاتی برای رسیدگی به موضوع را نداشته باشد و در مورد عدم رعایت صلاحیت محلی، وقتی که نسبت به آن ایراد شده باشد؛ ۲- رأی صادره خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی شناخته شود؛ ۳- عدم رعایت اصول دادرسی و قواعد آمره و حقوق اصحاب دعوا در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رأی را از اعتبار قانونی ببیند؛ ۴- رأی مغایر با یکدیگر، بدون سبب قانونی در یک موضوع و بین همان اصحاب دعوا صادر شده باشد؛ ۵- تحقیقات انجام‌شده ناقص بوده و یا به دلایل و مدافعات طرفین توجه نشده باشد.

۲- ماده ۵۱: دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگه‌ای چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی این نکات باشد: ۱- نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی‌الامکان شغل خواهان (تبصره: در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود، مشخصات وکیل نیز باید درج گردد)؛ ۲- نام، نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده؛ ۳- تعیین خواسته و بهای آن مگر آنکه تعیین بهاء ممکن نبوده و یا خواسته، مالی نباشد؛ ۴- تعهدات و جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می‌داند، به طوری که مقصود واضح و روشن باشد؛ ۵- آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد؛ ۶- ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشتجات و اطلاع‌مطلعين و...، ادله مثبت به ترتیب و واضح نوشته می‌شود و اگر دلیل، گواهی گواه باشد، خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند؛ ۷- امضای دادخواست‌دهنده و در صورت عجز از امضا، اثر انگشت او (تبصره ۱: اقامتگاه باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر و روستا و دهستان و خیابان به نحوی نوشته شود که ابلاغ به سهولت ممکن باشد؛ تبصره ۲: چنانچه خواهان یا خوانده شخص حقوقی باشد، در دادخواست نام و اقامتگاه شخص حقوقی، نوشته خواهد شد. ماده ۵۲: در صورتی که هر یک از اصحاب دعوا، عنوان قیم یا متولی یا وصی یا مدیریت

شرکت و امثال آن را داشته باشد، در دادخواست باید تصریح شود.

۳- ماده ۶۴ ق.آ.د.م: «مدیر دفتر دادگاه باید پس از تکمیل پرونده، آن را فوراً در اختیار دادگاه قرار دهد. دادگاه پرونده را ملاحظه و در صورتی که کامل باشد، پرونده را با صدور دستور تعیین وقت به دفتر اعاده می‌نماید تا وقت دادرسی (ساعت و روز و ماه و سال) را تعیین و دستور ابلاغ دادخواست را صادر نماید. وقت جلسه باید طوری معین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به اصحاب دعوا و روز جلسه کمتر از پنج روز نباشد. در مواردی که نشانی طرفین دعوا یا یکی از آنها در خارج از کشور باشد، فاصله بین ابلاغ وقت و روز جلسه کمتر از دو ماه نخواهد بود.»

۴- ماده ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی: «طرف‌های معظم متعهد به کنوانسیون موظفند برخورداری افراد ساکن در مناطق تحت حاکمیت خود را از حقوق و آزادی‌های تعریف‌شده در بخش اول کنوانسیون حاضر تضمین کنند.» در بخش اول کنوانسیون تحت عنوان حقوق و آزادی‌ها به حقوقی، همچون حق حیات، منع شکنجه، منع برده‌داری و کار اجباری، حق آزادی و امنیت، حق برخورداری از محاکمه عادلانه، عدم تعیین مجازات غیر قانونی، حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد، آزادی نظر، عقیده و مذهب، آزادی بیان، آزادی تشکیل مجمع و انجمن، حق ازدواج، حق جبران رفع خسارت مؤثر، ممانعت از تبعیض، عدول از قانون در حالت‌های فوق‌العاده و... اشاره شده است. متن کامل کنوانسیون در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<https://www.dadban.info/europeanconvention/>.

۵- ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی: «حق برخورداری از محاکمه عادلانه هر شخص در تعیین حقوق و تعهدات مدنی خود یا هر نوع اتهام جنایی علیه وی حق دارد از یک جلسه استماع دادرسی در محدوده زمانی مناسب توسط دادگاه قانونی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد.» ۶- متن کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<https://www.heyvalaw.com/web/articles/view/1724/%D9%85%D8%AA%D9%86%D8%A7%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C%D9%87%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82%D8%A8%D8%B4%D8%B1-1948.html>.

مشارکت نویسندگان

مصطفی پوررحیم قروقچی: نگارش مقاله، جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها، گردآوری منابع.
عیسی امینی و بختیار عباسلو: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی مقاله.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Jafari MT. Universal Human Rights. 1st ed. Tehran: Allameh Jafari Institute for editing and publishing works; 2011. p.342. [Persian]
2. Sanei Darehbidi M. Equality in human rights and its historical background. Research Journal of Humanities. 2003; 39-40: 87-106. [Persian]
3. Motahari M. Adl-e Elahi. Tehran: Sadra Publications; 2019. p.54. [Persian]
4. Dirbaz A, Mehri H. The Relation between Theory of Justice of John Rawls by Kant's Ethics and Hegel's. Compractive Theology. 2011; 1(4): 53-72. [Persian]
5. Gorji Azandriani AA, Falsafizadeh Haghighi SA. Distributive Justice and its Impact on Social Ethics in John Rawls Thought. Bioethics Journal. 2020; 10(35): e14. [Persian]
6. Hashemi SM. Human Rights and Fundamental Freedoms. Tehran: Mizan Publications; 2021. p.219. [Persian]
7. Dashti MT. Human Rights in the Balance. Tehran: The Center of Young Thought; 2011. p.49. [Persian]
8. Arasto. Politics. Translated by Enayat H. Tehran: Scientific and Cultural; 2019. p.45. [Persian]
9. Habibi Kandsar M, Dilam SAlehi B, Eslami S. John Rawls's Theory of Justice Formation. Occidental Studies. 2020; 10(2): 59-83. [Persian]
10. Moosavi Bojnourdi SM, Rouhani S. 2013, Characteristics of Juridical Justice in Viewpoint of Imam Ali (AS) With Special Reference to Imam Khomeini's Viewpoints. Research Journal Matin. 2011; 14(54): 19-43. [Persian]
11. Available at: <https://www.heyvalaw.com/web/articles/view/1724/%D9%85%D8%AA%D9%86%D8%A7%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C%D9%87%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86%DB%8C%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%A8%D8%B4%D8%B1-1948.html>.
12. Saberi N, Baqeripour M, Hosseini SE. A Review of the Basics of the Right to a Fair Trial in the Universal Order of Human Rights. Economic Jurisprudence Studies. 2019; 1(3): 26-46. [Persian]
13. Ahadi R, Rastgar Mohjanabadi MB. The Place of the Principle of Equality of Arms in the Criminal Proceedings of Iran with a View to the Retrial Institution. Kish: 4th National Humanities Conference; 2019. p.5. [Persian]
14. Jafarzadeh Darabi S. Indicators of Fair Proceedings in the Procedure of Human Rights Supervisory Authorities. Tehran: Public and International Law Research Institute; 2018. p.12. [Persian]
15. Fazaeli M. Fair Trial in Human Rights and the Islamic Judicial Doctrine. Comparative Studies on Islamic and Western Laws. 2014; 1(1): 159-178. [Persian]
16. Kashefi Aj Bisheh AR. The Position of Equality of Litigants in Civil Proceedings and its Legal Effects with a Comparative Study on the Principles of Transnational Civil Proceedings. Master's Thesis. Tehran: Shahid Beheshti University; 2009. p.20, 42. [Persian]
17. The Holy Quran. Hadid: 25-26.
18. Ghazanfari A. Nahj al-Fasaha. Qom: Asr-e Gheybat Publications; 2007. p.55. [Persian-Arabic]
19. Mohammadi Ri-Shahri M. Mizan al-Hekma. Qom: Dar al-Hadith; 2002. p.125. [Persian-Arabic]
20. Ibn Abi al-Hadid. Sharh-e Nahj al-Balagha. Beirut: Dar al-Jubail; 1984. Vol.17 p.65. [Arabic]
21. Al-Kulayni MB. Usul al-Kafi. Qom: Asveh Publications; 1996. Vol.6 p.412. [Arabic]
22. Shams A. Civil Procedure. Tehran: Drak Publications; 2020. Vol.1 19; Vol.2 p.80, 135, 344. [Persian]
23. Mahdavi Manesh R. Conditions of Petition and Guarantee of its Execution. Master's Thesis. Kashan: Faculty of Political Sciences, Kashan University; 2012. p.2. [Persian]
24. Mohseni H. Principles Governing Fair Proceedings in Civil Lawsuits. Master's Thesis. Tehran: Faculty of Law and Political Sciences, University of Tehran; 2005. p.135. [Persian]
25. Shams A. Le Principe de Contradiction. Legal Research Quarterly. 2002; 5(35-36): 59-86. [Persian]
26. Ghamami M, Mohseni H. Principles of Transnational Civil Procedure. Tehran: Mizan Publications; 2019. p.77. [Persian]
27. Fathi J. Applications of the principle of fair proceedings in the Administrative Court. Master's Thesis. Tehran: Allameh Tabatabai University; 2007. p.54. [Persian]
28. Kashani SM. Global Justice Standards. Tehran: Mizan publications; 2004. p.228. [Persian]
29. Ziaiefar MH. The right to a lawyer or legal advisor during the preliminary investigation stage with emphasis on the procedure of the European Court of

Human Rights. Basic Laws Journal. 4(8): 419-432.
[Persian]

30. Ghanbari N, Nasiran Najafabadi D, Soltani R. A Comparative Study of the Principle of Equal Equipment in Iranian Civil Procedure and US Federal Rules. International Police Studies Quarterly. 2020; 11(43): 140-166. [Persian]

31. Zera'at A. Civil Procedure Law in Iran's Legal System. Tehran: Third Line Publications; 2006. p.964. [Persian]

32. Ansari B. International Human Rights Documents, the Complete Collection of Global Documents. Tehran: Khorsandi Publications; 2016. Vol.1 p.63, 77. [Persian]

33. General Comment. Right to Equality before Courts and Tribunals and to a Fair Trial. Ninetieth Session. 2006. 14(32): 3.